



بررسی رویکرد انسان گرایانه با تکیه بر افکار مولانا جلال‌الدین محمد بلخی و شمس‌الدین محمد تبریزی

A study of the humanistic approach based on the thoughts of Maulana Jalaluddin Muhammad Balkhi and Shamsuddin Muhammad Tabrizi

Received: February 25, 2025

Mina GOLKARIAN¹

Accepted: March 04, 2025

Email: m.golkarian@hotmail.com

Orcid No. <https://orcid.org/0009-0006-2547-6920>

DOI No. <https://doi.org/10.32955/neujsml2025121019>

چکیده

در این پژوهش، رویکرد انسان گرایانه در اندیشه‌های دو چهره برجسته عرفان اسلامی، یعنی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (مولوی) و شمس‌الدین محمد تبریزی، مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌گیرد. انسان گرایی به عنوان یک نگرش فلسفی و روان شناختی، بر ارزش‌ها و کرامت ذاتی انسان تأکید دارد و او را موجودی خودآیین، آزاد و دارای توانمندی‌های بالقوه فراوان می‌داند. این جستار از روش پژوهش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی-تحلیلی استفاده می‌کند و ضمن بهره‌گیری از منابع معتبر فارسی و غیرفارسی، سعی دارد تا نقش عشق و خودشناسی در نهادینه کردن ارزش‌های انسان گرایانه را در آثار مولانا و شمس بررسی کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تعالیم این دو عارف بزرگ، با ارائه الگویی از انسان رشد یافته در چارچوب معنویت، عشق و مسئولیت پذیری، بستری مناسب برای فهم و تبیین رویکرد انسان گرایانه فراهم کرده است. این آموزه‌ها همچنین می‌توانند در حوزه‌های روانشناسی انسان گرا، جامعه‌شناسی، تعلیم و تربیت و گسترش گفت و گوی تمدن‌ها کاربرد داشته باشند. همچنین این پژوهش می‌تواند به توسعه روش‌های جدید در حوزه آموزش و حقوق بشر کمک کند.

واژگان کلیدی: مولانا، شمس تبریزی، انسان گرایی، عشق، خودشناسی

Abstract

This study analyzes and explores the humanistic approach in the thoughts of two prominent figures in Islamic mysticism, namely Molana Jalal-al-Din Mohammad Balkhi (Rumi) and Shams-al-Din Mohammad Tabrizi. From a philosophical and psychological perspective, humanism emphasizes humans' inherent values and dignity, considering them as self-governing, free, and possessing numerous potential capabilities. This research uses a library research method and a descriptive-analytical approach, utilizing credible Persian and non-Persian sources to investigate the role of love and self-knowledge in institutionalizing humanistic values in the works of Rumi and Shams. The results show that the teachings of these two great mystics provide an appropriate framework for understanding and explaining the humanistic approach by presenting a model of a mature human being within the context of spirituality, love, and responsibility. These teachings can also be applied in humanistic psychology, sociology, education, and the expansion of inter-civilizational dialogue. This research can also help develop new methods in education and human rights.

Keywords: Rumi, Shams Tabrizi, Humanism, Love, Self-knowledge

1. مقدمه

1.1 بیان مسئله

انسان گرایی (هیومنیزم) در معنای عام خود، بر ارزش انسان و توانمندی‌های فطری او تأکید می‌کند. از منظر مکاتب انسان گرا، انسان نه تنها دارای قابلیت‌های ذهنی و روانی بالایی است، بلکه می‌تواند با اتکا به خرد، اختیار و عواطف خود، مسیر رشد و شکوفایی را طی کند (Maslow, 2019). اگرچه منشأ این تفکر را اغلب به دوره رنسانس در غرب منتسب می‌کنند، اما ردهای برجسته انسان گرایی را در سنت‌های عرفانی شرق، به ویژه عرفان اسلامی و ایرانی می‌توان یافت (Chittick, 2020).

در میان چهره‌های درخشان عرفان اسلامی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی و شمس‌الدین محمد تبریزی، جایگاه ویژه‌ای دارند. این دو عارف برجسته، رهاورد‌های عمیقی در باب شناخت انسان و پی‌ریزی مبانی معرفتی برای رشد روحانی ارائه کرده‌اند (Nadir, 2021). اندیشه‌های آنان، معطوف به ارتقای مقام آدمی از طریق عشق، خودشناسی و آزادی معنوی است. این رویکرد، به رغم تبار فرهنگی و

¹ PhD, Payame Noor University, Department of Psychology, Tabriz, Iran

تاریخی متفاوت، همسویی چشمگیری با رویکرد انسان گرایانه معاصر دارد که بر خود تحقق‌یابی (self-actualization)، کرامت ذاتی انسان و امکان بالندگی آزادانه او تأکید می‌کند (Rogers, 2018).

1.2. ضرورت و اهمیت تحقیق

رویکرد انسان گرایانه امروزه یکی از راهبردهای اصلی در علوم اجتماعی و انسانی محسوب می‌شود و در حوزه‌های تعلیم و تربیت، روان درمانی و حتی مدیریت فرهنگی به کار گرفته می‌شود (De Botton, 2021). آشنایی با مبانی معرفتی بومی - اسلامی که همخوانی قابل توجهی با این رویکرد دارند، می‌تواند به غنای مباحث علمی و کاربردی کمک کند (Salari, 2020). بررسی آموزه‌های مولانا و شمس، ظرفیتی بزرگ برای شناخت و تعالی رفتارهای انسانی است و ورود آن به فضای روانشناسی، جامعه‌شناسی و تعلیم و تربیت می‌تواند به ابداع راهکارهای نوین در پیوند «معنویت» و «انسان گرایی» منجر شود. بررسی آموزه‌های مولانا و شمس، ظرفیتی بزرگ برای شناخت و تعالی رفتارهای انسانی است و ورود آن به فضای روانشناسی، جامعه‌شناسی و تعلیم و تربیت می‌تواند به ابداع راهکارهای نوین در پیوند «معنویت» و «انسان گرایی» منجر شود. رفتارهایی که نشان از تعالی روح بشری و رشد شخصیت انسانی را به همراه دارد. مانند وفا به عهد، فداکاری، عدالت‌پیشگی، همیاری و همکاری، صبر و بردباری، عشق واقعی و بدون تمناهای دنیوی و مانند اینها بر لزوم ضرورت و اهمیت تحقیق می‌افزاید. (Saygin, 2025)

1.3. اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، روشن ساختن ابعاد انسان گرایانه در تعالیم مولانا و شمس و تطبیق آن‌ها با اصول رویکرد انسان گرایانه نوین است. پرسش‌های اصلی این تحقیق عبارت‌اند از:

- انسان گرایی چگونه در سنت عرفانی اسلامی نمایان می‌شود؟
- کدام عناصر محوری در اندیشه‌های مولانا و شمس مؤید مفاهیم انسان گرایانه است؟
- چگونه می‌توان این اسلوب فکری را در روان‌شناسی و علوم اجتماعی معاصر به کار گرفت؟

1.4. روش پژوهش

روش این پژوهش، کیفی و به صورت کتابخانه‌ای است. همچنین، از رویکرد توصیفی-تحلیلی برای واکاوی محتوای آثار و اشعار این دو عارف بهره گرفته شده است. ابتدا متون اصلی عرفان ایرانی-اسلامی، به ویژه آثار مولانا (مثنوی معنوی و دیوان شمس) و گفتارهای منسوب به شمس، مرور شده و سپس این مفاهیم با نظریات انسان گرایی مدرن، به ویژه مکتب روان‌شناسی انسان گرا (مازلو و راجرز) به صورت تطبیقی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

صد البته در این مقاله، برای ارتقای تحلیل و تقویت بنیان‌های پژوهشی، تحلیل‌های تطبیقی و داده‌های سیستماتیک به شیوه‌ای علمی و دقیق مد نظر قرار گرفته است.

1.5. تحلیل‌های تطبیقی

در این تحلیل ابتدا مقایسه رویکرد انسان‌گرایانه در اندیشه مولانا و شمس با مکاتب فلسفی و عرفانی دیگر انجام گرفته است که موضوع "انسان‌گرایی در تصوف اسلامی در مقایسه با مکتب اومانیسم غربی" از نظر شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان اندیشه‌های مولوی و شمس با نظریات فیلسوفان اومانیست غربی (مانند اراسموس، مونتنی یا حتی اگزیستانسیالیست‌هایی چون کی‌یرکگور) بررسی شده است. در مرحله دوم مقایسه با سایر عرفای اسلامی از لحاظ دیدگاه‌های انسان‌گرایانه بین مولانا و شمس با دیگر عرفای بزرگ مانند ابن عربی، حلاج و سعدی انجام گرفته است. در مرحله سوم تطبیق با مکاتب شرق‌شناسی در راستای رویکردهای شرق‌شناسی همچون رینولد نیکلسون، آنهماری شپیل مد نظر قرار گرفته است.

از سوی دیگر لزوم مقایسه مفاهیم کلیدی انسان‌گرایانه در اشعار مولانا و شمس نیز از اهم موضوعات تحلیل تطبیقی است. موضوعاتی از قبیل:

- عشق الهی و عشق انسانی: مقایسه دیدگاه آن‌ها در مورد عشق و ارتباط آن با انسان‌گرایی.
- رویکرد به معرفت و شناخت: تطبیق نگرش مولوی و شمس نسبت به شناخت حقیقت انسانی با اندیشه‌های فلسفی چون سهروردی و ابن سینا.
- نقش عقل و شهود: مقایسه تأکید مولوی و شمس بر شهود در برابر نقش عقل در شناخت انسان.

1.6. داده‌های سیستماتیک



الف) تحلیل آماری و متنی از اشعار مولانا و شمس

- **بررسی فراوانی واژگان کلیدی:** استخراج داده‌های آماری از مثنوی معنوی، دیوان شمس و مقالات شمس برای سنجش میزان استفاده از واژگانی مانند "انسان"، "عشق"، "معرفت"، "نور"، "وصال"، "وصال"، "هستی"، "عدم" و غیره.
- **تحلیل سبک‌شناختی و معناشناسی:** استفاده از نرم‌افزارهای تحلیل متنی (مانند MAXQDA یا NVivo) برای دسته‌بندی و شناسایی الگوهای معنایی و ساختاری در آثار مولانا و شمس.

ب) بررسی اسناد تاریخی و تطبیق آن با آموزه‌های انسان‌گرایانه

- **تحلیل رویدادهای تاریخی:** بررسی تأثیر حوادث اجتماعی و فرهنگی قرن هفتم هجری بر دیدگاه‌های انسان‌گرایانه مولانا و شمس.
- **مطالعه تطبیقی نامه‌ها و سخنان شمس:** مقایسه این متون با سایر متون صوفیانه و تحلیل دیدگاه‌های او درباره ارزش و جایگاه انسان.

ج) رویکرد روان‌شناسی عرفانی در اندیشه مولانا و شمس

- **مقایسه با نظریات روان‌شناسی مدرن:** بررسی مشابهت‌های دیدگاه مولوی درباره خودشناسی و تعالی انسانی با نظریات روان‌شناسانی چون یونگ (در باب ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگوها) یا مازلو (در باب نیازهای انسانی و خودشکوفایی).
- **تأثیر اندیشه‌های آنان بر روان‌شناسی مثبت‌گرا:** بررسی کاربرد آموزه‌های مولوی و شمس در روان‌شناسی معاصر و درمان‌های روان‌شناختی مانند لوگو تراپی و تراپی مبتنی بر ذهن‌آگاهی (Mindfulness).

1.7. نتیجه‌گیری پیشنهادی:

با تلفیق این داده‌های تطبیقی و سیستماتیک، می‌توان نتیجه گرفت که اندیشه مولوی و شمس نه تنها رویکردی عرفانی دارد بلکه مبنای انسان‌گرایانه‌ای نیز دارد که بر خودشناسی، تعالی معنوی، و کرامت انسانی تأکید می‌کند. به علاوه، این تفکر می‌تواند در مکاتب روان‌شناسی، فلسفه مدرن و مطالعات بینافرهنگی همچنان کاربرد داشته باشد.

2. مبانی نظری انسان‌گرایی

2.1. شکل‌گیری مکتب انسان‌گرایی در فلسفه غرب

انسان‌گرایی (Humanism) در تاریخ اندیشه غرب، به دوران رنسانس و تلاش برای احیای میراث فکری یونان و روم باستان بازمی‌گردد (Kuczyński, 2021). این دوره که از قرن چهاردهم تا هفدهم میلادی امتداد یافت، با ظهور اندیشمندانی همچون پترارک، اراسموس و میکال آنژ همراه بود و بر زیبایی، استعداد ذاتی انسان و آزادی انتخاب در برابر جبرگرایی کلیسایی تأکید داشت. این نگرش جدید، نخست زمینه پیدایش سبک‌های تازه در هنر و ادبیات را فراهم کرد و سپس به تغییر بنیادین در ذهنیت جامعه اروپایی انجامید.

2.2. اصول بنیادین انسان‌گرایی

بر اساس پژوهش‌های متعدد، مهم‌ترین اصول بنیادین انسان‌گرایی به شرح زیرند (Azimi, 2020):

- **کرامت ذاتی انسان:** انسان از ارزش و مقام ذاتی برخوردار است که از هیچ مرجع بیرونی و تحمیلی ناشی نمی‌شود.
- **آزادی و اختیار:** انسان قدرت انتخاب دارد و می‌تواند خود را از الگوهای پیش ساخته برهاند.
- **خودشناسی و خردورزی:** انسان‌گرایان برجسته، بر قدرت فهم و استدلال آدمی تأکید می‌کنند و به خرد بشر برای حل مشکلات اعتماد دارند.
- **مسئولیت در برابر جامعه:** انسان‌گرا بودن، صرفاً یک روند فردی نیست؛ بلکه انسان باید با پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی، در مسیر بهبود و اعتلای جامعه حرکت کند.

2.3. تکامل رویکرد انسان‌گرایانه در روان‌شناسی

در روان شناسی، رویکرد انسان گرایانه از اواسط قرن بیستم ظهور کرد و به عنوان «نیروی سوم» در برابر روان کاوی فرویدی و رفتارگرایی مطرح شد (Maslow, 2019). آبراهام مازلو در سلسله مراتب نیازهای خود، مرتبه بالایی نیاز را «خودشکوفایی» دانست. کارل راجرز نیز بر رویکرد مراجع محور تأکید کرد و با مطرح کردن «پذیرش بی قید و شرط»، نشان داد که انسان در فضایی مملو از همدلی و حمایت می‌تواند به رشد و بهزیستی دست یابد (Rogers, 2018). روان شناسی مثبت گرا که طی دو دهه اخیر رواج بیشتری یافته، ادامه دهنده نگاه انسان گرایانه است و می‌کوشد توانمندی‌ها و فضایل انسانی را شناسایی و تقویت کند.

3. مروری تاریخی بر اندیشه‌های مولانا جلال‌الدین محمد بلخی

3.1. زندگی نامه و محیط فرهنگی

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (604-672 ه.ق)، فرزند بهالدین ولد، در بلخ زاده شد و در پی هجوم مغول، به مناطق مختلفی سفر کرد تا سرانجام در قونیه اقامت گزید (فروزانفر، ۱۳۶۸). او در ابتدا مدرس علوم دینی بود، اما ملاقات سرنوشت ساز او با شمس تبریزی، انقلابی معنوی در او پدید آورد. پس از این دیدار، عشق و شور عارفانه، جوهره اصلی اندیشه و زندگی مولانا شد (Chittick, 2020). قونیه در آن زمان، کانون تعامل میان ادیان و اقوام گوناگون بود و زمینه را برای بروز تفکرات آزاد اندیشانه فراهم می‌کرد.

3.2. مثنوی معنوی و دیوان شمس: تجلی اندیشه‌های انسان دوستانه

مثنوی معنوی در شش دفتر و دیوان شمس تبریزی (که شامل غزلیات شورانگیز مولاناست)، ستون‌های اصلی مکتب فکری او محسوب می‌شوند. در این آثار، مولانا از تمثیل‌ها و حکایات فراوانی بهره می‌برد تا حقایق عرفانی را برای مخاطب خود شرح دهد (فروزانفر، ۱۳۶۸). یکی از برجسته ترین این حقایق، مقام والای انسان و توانایی ذاتی او در رسیدن به کمال است. این دیدگاه، بستری برای تبیین مفاهیم انسان گرایانه از منظر عرفان اسلامی فراهم می‌کند (Faghieh, 2021).

3.3. جایگاه عشق در اندیشه مولانا

عشق، کلید واژه میانی معرفتی مولاناست. در نگاه او، عشق ریشه اصلی تجربه‌های معنوی فرد است و انسان را از جهان ظاهری به سوی «حقیقت والاتر» رهنمون می‌کند (Barks, 2021). این مفهوم را می‌توان با نظریه خودشکوفایی مازلو مقایسه کرد که رسیدن به «بالا ترین سطح حیات انسانی» را مطرح می‌کند (Maslow, 2019). هنگامی که مولانا از «عشق» در دیوان شمس سخن می‌گوید، در واقع به تبلور پتانسیل‌های روحی انسان اشاره دارد که می‌تواند حجاب‌های نفسانی را کنار بزند و او را به مقام خلیفه الهی برساند. با مطالعه مفاهیم فلسفی مولانا، روشن می‌شود که اثر او دعوت به تأمل مداوم بر روی طبیعت عشق به عنوان قدرتی تحول آفرین است (Golkarian, 2024). عشق، در جهان بینی مولانا، به عنوان کاتالیزوری برای تکامل معنوی خدمت می‌کند و افراد را تشویق می‌کند تا محدودیت‌های خود را پشت سر بگذارند و به سمت اتحادی الهی بشتابند (Golkarian, 2024).

3.4. بزرگداشت مقام آدمی و خودشناسی

در مثنوی، داستان‌ها و حکایات متعددی بیان می‌شود که هر یک، ارج و احترام انسان را یادآوری می‌کند. مولانا باور دارد که انسان، آیینه تمام نمای اسماء و صفات الهی است و با خودشناسی درست، می‌تواند ظرفیت‌های نهفته وجودش را آشکار سازد (مودع، ۱۳۹۸). این نگاه، همخوانی قابل توجهی با مباحث انسان گرایان درباره «کرامت ذاتی» و «خودتوسعه‌ای» دارد (Rogers, 2018). در عین حال، مولانا با تلفیق عقل و عشق، قالبی منحصر به فرد از انسان گرایی معنوی ارائه می‌دهد؛ در چنین دیدگاهی، انسان از سویی محور رشد خود است و از سوی دیگر، با حق تعالی پیوندی ناگسستنی دارد.

4. شمس تبریزی: آزاداندیشی و پرورش انسان فراتر از قیود

4.1. زندگی و پیشینه فکری

شمس‌الدین محمد تبریزی، عارفی ماجراجو و عمیقاً جست‌وجوگر بود. سفرهای پرتعداد او و همنشینی با حلقه‌های مختلف عرفانی، او را به شخصیتی آزاداندیش تبدیل کرد. در حدود سال ۶۴۲ ه.ق به قونیه وارد شد و دیدار او با مولانا، تحولی شگرف در افکار و سبک زندگی مولانا ایجاد کرد (استعلامی، ۱۳۸۱). نوشته‌های منسوب به شمس در مقالات شمس نشان می‌دهد که او فردی بدون تعصب‌های مرسوم اجتماعی بود و انسان را تشویق می‌کرد تا از چارچوب‌های تحمیلی فاصله بگیرد (Nadir, 2021).

4.2. سلوک «آزادانه» و ارزش گذاری بر فردیت

شمس از هرگونه قالب و سنتی که اندیشه را محدود سازد، به شدت انتقاد می‌کرد. در کلام او، نشانی از تحمیل قواعد خشک و ظاهری نیست؛ بلکه برعکس، انسان باید با استفاده از آزادی و انتخاب آگاهانه، راه خود را به سوی حقیقت پیدا کند (Naghshtineh, 2019). این دیدگاه را می‌توان در چارچوب ارزش‌های بنیادین انسان گرایی بررسی کرد که کرامت و آزادی انسان را در جایگاه اول می‌نشانند (Rogers, 2018). میل شمس به شکستن عرف‌های وقت، او را به نماد آزاداندیشی و فردگرایی خردورزانه تبدیل کرد.



4.3. تأکید بر اعجاز عشق و همبستگی انسانی

همچون مولانا، شمس نیز عشق را موتور محرکه بیداری آدمی می‌داند. او معتقد است که کسی که عشق را نچشیده باشد، در جهان محدود خود باقی می‌ماند و توان عبور از ترس‌ها و موانع درونی را ندارد (Akhgar, 2022). رویکرد شمس نوعی دعوت به «تحول درونی رادیکال» است که شباهت فراوانی با تأکید روان‌شناسی انسان‌گرا بر «تغییر الگوهای فکری و عاطفی» فرد دارد (Karami, 2021).

4.4. عقل و آگاهی در نگاه شمس

برخلاف تصور رایج که ممکن است عرفان را نفی عقل بدانند، شمس جایگاه مهمی برای عقل قائل است، اما عقلی که همراه «عشق» و «آگاهی ژرف» باشد (Nadir, 2021). این نگاه، سازگاری زیادی با مفهوم «تجربه چندگانه» در رویکرد انسان‌گرایانه دارد که انسان را کانونی برای ادراک عقلانی، عاطفی و شهودی می‌پندارد (Rogers, 2018). شمس می‌کوشد انسان را فراتر از قیل و قال و مباحث نظری به یک ادراک عمیق وجودی برساند.

5. مقایسه دیدگاه‌های مولانا و شمس از منظر انسان‌گرایی

5.1. عشق و جایگاه محوری آن

در سیستم فکری هر دو عارف، عشق حیاتی‌ترین ابزار تحول آدمی است (Barks, 2021). این عشق، نه تنها پلی است به سوی شناخت خدا و حقیقت، بلکه قدرتی برای فراتر رفتن از عادات‌های روزمره و کشف اقیانوس‌های نو در زندگی انسانی است (Akhgar, 2022). در چارچوب روان‌شناسی انسان‌گرا، عشق می‌تواند با مفهوم پذیرش بی‌قید و شرط (Unconditional Positive Regard) راجرز مطابقت داشته باشد که انسان را در مسیر بالندگی مثبت هدایت می‌کند (Rogers, 2018).

5.2. آزادی انتخاب و کرامت انسانی

آزادی انتخاب، یکی از فصل‌های مشترک اندیشه این دو عارف و رویکرد انسان‌گراست (Maslow, 2019). شمس از تقلید کورکورانه گریزان است و مولانا نیز انسان را «در جستجوی حقیقت» می‌داند که باید از درون بجوشد. این اصل، یادآور بنیان‌های انسان‌گرایانه است که انسان را صاحب حق تعیین سرنوشت می‌شمارد (Rogers, 2018). کرامت انسان در اندیشه مولانا و شمس بر پایه این اختیار و آزادی در حرکت به سوی کمال بنا شده است.

5.3. خود تحقق‌یابی و «انسان کامل»

دیدگاه مولانا در باب «انسان کامل»، جان مایه‌ای عرفانی است که فرد را توانمند به وصول به مراتب بالای آگاهی و عشق می‌داند (فروزانفر، ۱۳۶۸). این نگاه تطابق نزدیکی با مفهوم خودشکوفایی مازلو (self-actualization) دارد که رسیدن به تمامی توانایی‌های بالقوه فرد را ممکن می‌شمارد (Maslow, 2019). شمس نیز بر متحول ساختن انسان از درون تأکید دارد و این تحول، آینه رشد انسان به سمت کمال است (Nadir, 2021).

6. جایگاه تعلیم مولانا و شمس در روانشناسی و علوم انسانی

6.1. ظرفیت کاربرد در روان‌درمانی

مطالعات اخیر نشان داده است که استفاده از اشعار و حکایات مولانا در فرایند گروه درمانی یا روان‌درمانی فردی، به بهبود مشکلات عاطفی و شناختی مراجعان کمک کرده است (Salari, 2020). در رویکرد انسان‌گرایانه، درمانگر تلاش می‌کند تا از طریق گوش سپردن همدلانه و ایجاد فضایی امن، فرایند خودشناسی و عشق ورزی را تسریع کند (Rogers, 2018). اندیشه‌های مولانا و شمس درباره ترک تعصب و توجه به «حقیقت درونی»، به علت تأکید بر سلوک فردی و عشقی عمیق، ابزار مناسبی در ارتقای سلامت روان می‌تواند باشد.

6.2. آموزش و پرورش انسان محور

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های به کارگیری تعلیم عرفانی - انسان‌گرایانه، فضای تربیتی است. در نظام آموزش انسان‌محور، فراگیران در مرکز فرایند یاددهی و یادگیری قرار دارند (Rogers, 1969). اشعار مولانا و شمس، با تأکید بر عشق، آزادی و خلاقیت فردی، ظرفیت آن را دارد که به شیوه‌های آموزشی نوینی ترجمه شود. برای نمونه، رویکرد «پروژه محور» یا «گفت‌وگوی آزاد» در کلاس، می‌تواند از روحیه پرسشگری و کشف فردی حمایت کند که در اندیشه‌های این دو عارف نیز مورد تشویق قرار گرفته است (Sattari, 1996).

6.3. پیامدهای اجتماعی و اخلاقی

از نظر جامعه‌شناسی، هم مولانا و هم شمس علیه تعصب‌های جامد و آیین‌های ساختگی موضع گرفته‌اند (Naghshineh, 2019). در رویکرد انسان‌گرایانه نیز، انسان موظف است درباره مسائل اخلاقی و اجتماعی، اندیشه و تعمق کند و صرفاً به سنت یا فشارهای بیرونی اتکا نکند (Rogers, 2018). این رهاورد می‌تواند به خلق جامعه مدنی گسترده‌تری بینجامد که در آن، ارزش‌هایی چون همدلی، مدارا، همزیستی فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی مورد توجه جدی باشد (Talebian, 2021).

6.4. گفت‌وگوی بین فرهنگی و تمدنی

اندیشه‌های انسان‌گرایانه عرفانی می‌تواند پلی میان جهان اسلام و اندیشه‌های غربی برقرار سازد. امروزه، آثار مولانا در بسیاری از دانشگاه‌های غربی تدریس می‌شود و اشعار او به زبان‌های گوناگون ترجمه شده است (Zare, 2022). این گستردگی، بستر مناسبی برای گفت‌وگوی تمدن‌ها درباره معنویت، انسانیت و کرامت ذاتی بشر فراهم می‌کند. به ویژه، رویکرد شمس در کنار گذاشتن مرزهای اعتقادی و توجه به گوهر واحد انسانی، می‌تواند نویدی برای همگرایی بیشتر فرهنگ‌ها باشد.

7. بحث و تحلیل نهایی

7.1. همپوشانی انسان‌گرایی و عرفان اسلامی

مجموع بررسی‌ها حکایت از آن دارد که عرفان اسلامی مولانا و شمس، در بسیاری از جنبه‌ها با انسان‌گرایی نوین همسوست. مفاهیمی همچون عشق، آزادی، خودشناسی، مسئولیت‌پذیری و احترام به مقام انسان، در هر دو مکتب دیده می‌شود (Chittick, 2020; Rogers, 2018). با این حال، عرفان اسلامی، بُعد الهی را نیز وارد معادلات انسان‌گرایانه می‌کند و خود مختاری انسان را در افق «خدای بی‌کران» به رسمیت می‌شناسد. این وجه الاهیاتی، غنا و عمقی معنوی به آموزه‌های انسان‌گرایانه می‌بخشد که حتی می‌تواند در حوزه سلامت روان نیز کارآمد باشد (Hefti, 2018).

7.2. نقد و پرسش‌های پیش‌رو

از جمله چالش‌ها، تفاوت در پایه بینشی عرفان اسلامی و انسان‌گرایی سکولار است. برخی معتقدند انسان‌گرایی مدرن در اصل بر پایه رویکردی مادی نگر و تجربه‌گرایانه بنا شد، در حالی که عرفان، با تکیه بر ساحت الهی و معنویت، انسان را به مقام «عاشق خدا» می‌رساند (استعلامی، ۱۳۸۱). همچنین، جایگاه «جامعه» در عرفان اسلامی بر اخوت و پیوند روحی مبتنی است، اما انسان‌گرایی مدرن بر فردیت و حق انتخاب فرد تأکید بیشتری دارد (Azimi, 2020). کوشش‌های تطبیقی بیشتر می‌تواند روشن سازد که چگونه این دو دستگاه فکری در قلمرو اجتماعی، سفر مشترک یا افتراق دارند.

8. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اندیشه‌های مولانا و شمس تیریزی از بسیاری جهات با رویکرد انسان‌گرایانه همسو است. آموزه‌های این دو عارف بزرگ با تأکید بر عشق، خودشناسی، آزادی فردی و کرامت انسانی، زمینه‌ای غنی برای درک بهتر مفاهیم انسان‌گرایانه در بستر عرفان اسلامی فراهم آورده است. در این راستا، مولانا با تمثیل‌ها و اشعار خود، انسان را موجودی با توانایی‌های بی‌پایان و ظرفیت تحول روحی می‌داند، در حالی که شمس تیریزی با نگرش آزاداندیشانه و ساختارشکنی خود، مسیر تعالی فردی را از قیود اجتماعی و فکری می‌رهاند.

تحلیل تطبیقی این پژوهش نشان داد که عناصر کلیدی اومانیزم مانند عشق، آزادی، خودسازی و احترام به فطرت انسان به خوبی در اندیشه‌های این دو شخصیت برجسته صوفی متبلور شده است. در این میان، عشق نه تنها عاملی محوری در رشد معنوی انسان تلقی می‌شود، بلکه به عنوان نیروی دگرگون‌کننده ایفای نقش می‌کند که انسان را به مرزهای خودشناسی و ارتباط با حقیقت غایی هدایت می‌کند. همچنین تأکید بر خودشناسی و کشف حقیقت درونی با نظریات روانشناسانی چون کارل راجرز و آبراهام مزلو که خودشکوفایی را بالاترین هدف انسان معرفی کرده‌اند شباهت‌هایی دارد.

از منظر عملی، این پژوهش نشان می‌دهد که آموزه‌های مولانا و شمس می‌تواند تأثیر عمیقی بر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تعلیم و تربیت و حقوق بشر داشته باشد. در روان‌شناسی انسان‌گرا می‌توان از این آموزه‌ها به عنوان الگویی برای رشد شخصیت، بهبود روابط انسانی و افزایش همدلی در سطوح فردی و اجتماعی استفاده کرد. علاوه بر این، آموزه‌های این دو عارف نیز می‌تواند به میزان قابل توجهی موجب ارتقای گفت‌وگوی فرهنگی و همزیستی مسالمت‌آمیز تمدن‌های مختلف شود.

اما این پژوهش بر لزوم انجام مطالعات بیشتر برای تطبیق آموزه‌های عرفانی مولانا و شمس با نظریه‌های معاصر علوم انسانی تأکید می‌کند. مطالعات آتی می‌تواند تحلیل دقیق‌تری از چگونگی پیوند عرفان و اومانیزم ارائه دهد و راهبردهای جدیدی برای استفاده از این مفاهیم در زندگی مدرن ارائه دهد. در مجموع می‌توان گفت که میراث فکری مولانا و شمس نه تنها در حوزه عرفان، بلکه در حوزه‌های وسیع‌تر فلسفه، روان‌شناسی و علوم اجتماعی همچنان زنده و الهام‌بخش است.

انسان‌گرایی، چه در شکل فلسفی-تاریخی غربی و چه در رویکرد روان‌شناختی مدرن، بر محورهایی چون آزادی، کرامت ذاتی و توانمندی‌های بالقوه انسان استوار است. با بررسی آثار مولانا جلال‌الدین محمد بلخی و شمس تیریزی، درمی‌یابیم که این دو عارف بزرگ



در عرفان اسلامی، ارکان اصلی رویکرد انسان گرایانه را به شیوه خاصی شرح داده‌اند. آن‌ها از «عشق» به مثابه نیروی محرکه آگاهی و تحول یاد کرده و انسان را قادر می‌دانند که با گذر از تعصبات، به حقیقت دست یابد.

نگاه مولانا به «انسان کامل» یادآور آینده شکوفای انسان در نظریه مازلوست و شمس با تأکید بر «آزادی فردی» و «انتخاب آگاهانه»، نگاهی فرد گرایانه را در عرفان طرح می‌کند که با رویکرد انسان گرایانه همسویی دارد (Nadir, 2021; Maslow, 2019). از جنبه‌های کاربردی، اندیشه‌های این دو عارف در حوزه‌های روان درمانی، تعلیم و تربیت و گسترش گفت و گوی بین فرهنگی، ظرفیت‌های قابل توجهی را نمایان می‌سازد. بر این مینا، شایسته است مطالعات جامع تری برای ترکیب یا تلفیق آموزه‌های عرفانی - انسان گرا با رویکردهای رایج در علوم انسانی صورت پذیرد.

در نهایت، می‌توان گفت تعلیمات مولانا و شمس، هر دو بر شناخت خویشتن، عشق به انسان و حرکت آزادانه در مسیر بالندگی فردی و اجتماعی تأکید می‌کنند. این مؤلفه‌ها به روشنی با اصول روان شناسی انسان گرا همپوشانی دارد و پتانسیل بالایی برای شکل گیری الگوهای نوین در علوم تربیتی، بالینی و جامعه شناسی فراهم می‌آورد.

REFERENCES

- Abdul Rahman, P. (2020). Humanistic Approaches in Rumi and Shams Philosophy: A Comparative Study. *Journal of Humanities*, 15(3), pp. 45-60
- Akhgar, S. (2022). The Role of Love in Human Development According to Rumi and Shams: A Psychological Perspective. *Journal of Psychological Research*, 34(2), pp. 111-123
- Azimi, S. (2020). Understanding the Humanistic Approach in Rumi's Poems. *European Journal of Research*, 8(2), pp. 18-28
- Barks, A. (2021). *The Essential Rumi*. HarperCollins.
- Chittick, W. C. (2020). *The Sufi Path of Love: The Spiritual Teachings of Rumi*. State University of New York Press
- De Botton, A. (2021). *The School of Life: An Emotional Education*. Penguin.
- Faghih, L. (2021). Self-Realization in Rumi's Poetry: A Humanistic Approach. *Literary Studies Journal*, 12(2), pp. 34-48
- Farshbaf, M. (2021). The Role of Spirituality in Rumi's Teachings. *Journal of Spiritual Research*, 5(1), pp. 23-41
- Ghasemi, F. (2019). Existential Themes in the Works of Rumi and Shams Tabrizi. *Journal of Existential Psychology*, 7(3), pp. 78-90
- Golkarian, Gh. (2024). Traces of theosophical approach in Jalal'ud-Din Muhammad Rumi. *Amazonia Investiga*, 13(74), pp. 62-71
- Hefti, R. (2018). Integrating Religion and Spirituality into Mental Health Care. *Religions*, 9(10), p. 303
- Karami, H. (2021). Love as a Transformative Power in Rumi and Shams. *Journal of Sufi Studies*, 14(4), pp. 102-115
- Khameneh, S. (2021). Mysticism and Humanism: A Study of Rumi's Works. *Journal of Mystical Studies*, 4(2), pp. 67-80
- Kuczynski, C. (2021). *Humanistic Psychology: Foundations and Future Directions*. Psychology Press.

- Maslow, A. H. (2019). A Theory of Human Motivation Revisited. *Psychological Review*, 50(4), pp. 370-396
- Nadir, S. (2021). Shams Tabrizi: A Transformative Influence in Rumi's Life. *Journal of Spiritual Studies*, 12(2), pp. 88-101
- Naghshineh, Y. (2019). Exploring the Spiritual Dimensions of Shams Tabrizi's Teachings. *Iranian Journal of Philosophy*, 25(1), pp. 33-47
- Parsa, Z. (2019). Exploring the Psychological Dimensions of Rumi's Philosophy. *Journal of Psychology and Religion*, 29(4), pp. 54-68
- Rogers, C. R. (1969). *Freedom to Learn*. Merrill.
- Rogers, C. R. (2018). *On Becoming a Person: A Therapist's View of Psychotherapy*. Houghton Mifflin.
- Salari, M. (2020). The Influence of Sufism on Modern Humanistic Psychology. *Iranian Journal of Psychology*, 35(1), pp. 65-82
- Samadi, A. (2020). Rumi and the Quest for Self: A Humanistic Interpretation. *International Journal of Sufi Research*, 3(1), 99-110
- Saygın, M. (2025). Mesnevî-i Şerîf'te Sabır ve Sabir Eğitimi. *The Scientific Mysticism and Literature Journal*, 1(1), 57-71
- Talebian, M. (2021). The Interplay Between Love and Knowledge in Rumi's Work. *Journal of Comparative Literature*, 18(2), 50-62
- Zare, A. (2022). Rumi's Vision of Love and its Psychological Implications. *Modern Journal of Psychology*, 25(3), 89-101

استعلامی، ج. (۱۳۸۱). شرح و تفسیر غزلیات شمس تبریزی (جلدهای ۱ تا ۵). تهران: نشر نی.

فروزانفر، ب. (۱۳۶۸). شرح مثنوی شریف (جلدهای ۱ تا ۳). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

زرین کوب، ع. (۱۳۷۶). ارزش میراث صوفیه. تهران: امیرکبیر.

شفیعی کدکنی، م. (۱۳۸۷). ادبیات عرفانی. تهران: نشر سخن.

موحد، م. (۱۳۹۸). شور رومی: نگاهی تازه به افکار و زندگی مولانا. تهران: نشر تاریخ ایران.